

برانگیختن دانش آموزان به یادگیری آسان نیست اما این پیشنهادات پژوهشی ممکن است کمک کند.

(جی - میچل پالری) پروفیسور آموزش و پرورش در دانشگاه آلاباما در توسکالوسا

واژه انگیزه به عنوان جهت دهنده و تسریع کننده به رفتار انسانی تعریف شده است. (اسپراگ ۱۹۵۵ - تاملینسن ۱۹۹۲) از جمله این رفتارها قدرت، وابستگی و پیشرفت در درجات اقتصادی و اجتماعی است. بررسی پیشینه فعالیت انجام شده برای راهبردهای کلاسی که بتواند دانش آموزان را به یادگیری ترغیب نماید نشان می دهد که اغلب مدیران و آموزگاران از نتیجه کار ناامیدند.

باوجودی که مقالات متعددی برای ایجاد انگیزه نوشته شده است، بیشترین سهم آنها حول نظریه ها و پژوهش در خصوص مسایلی مانند اضطراب، مقاومت و یا بازخورد اصلاحی دورمی زند. گرچه اکثرین مقالات ممکن است مفید باشند، اما بیشتر کسانی که درگیر مسایل آموزشند خواهان اطلاعاتی وسیع و دقیق در این مورد می باشند. هر یک از ۱۵ راهبرد زیر برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان براساس بهترین اطلاعات موجود می باشد. حتی اگر تمام این راهبردها قابل اجرا باشد نمی توان تضمین داد که مسایل انگیزشی وجود نخواهد داشت. اما مطمئناً مشکلات کمتر خواهد شد.

#### ۱- دانش آموزان را در تعیین اهداف درگیر کنید.

درگیرکردن دانش آموزان در تعیین اهداف کلی و جزئی حسن توانمندی و صلاحیت در دوره های کوتاه و بلند مدت می دهد، دو شرطی که همواره بعنوان ایجادکننده علاقه و فزاینده تعهد و کوشش دربرجه ها پذیرفته شده است. (لانگ ۱۹۹۱)

البته دانش آموزان به تنهایی نمی توانند آنچه را که در مدرسه می خوانند تعیین کنند، بلکه آنها می توانند به تصمیم گیری ها کمک کنند. مثلاً اینکه دانش آموزان بدانند پلیس یا مامور آتش نشانی به عنوان نیروهای خدماتی در جامعه محسوب می شوند. یا کدام موضوع برای نوشتن خلاق مناسب است. و یا کدام کتاب برای مطالعه یا تدریس آنان مناسب تر است.

#### ۲- اهداف خود را فردی کنید.

معلمان کودکان استثنایی برای دانش آموزان خود به نوشتن طرحهای آموزشی فردی نیاز دارند چرا معلمین عادی این کار را انجام ندهند؟ اهداف فردی پذیرفته شده بیان می کنند که هر دانش آموز با دانش آموز دیگر متفاوت و یادگیری او برطبق توانایی اش به میزان وسرعت دیگری است. به دانش آموزان وظایفی بدهید که قادر به انجام آن باشند و براساس مهارتشان درانجام آن وظایف آنها را ارزیابی کنید. در این مورد به مقایسه توفیق دانش آموزان درانجام آن وظایف نسبت به وظایف قبلی او پردازید، زیرا که این امر واژدگی دانش آموزان کندتر را کاهش داده و درعین حال برای دانش آموزان با هوش ترین خسته کننده نخواهد بود. این تکنیک تحرک و انگیزه هر دو را افزایش می دهد. (پست ۱۹۹۰، تاملینسن ۱۹۹۲)

#### ۳- اولویت ها را در ممتوی تنظیم کنید.

تمام موضوعهایی که در کلاس تدریس می شود برای همه دانش آموزان اهمیت یکسانی ندارد. (نادینگز ۱۹۹۴) برای مثال نیاز دانش آموزان طبقه متوسط حومه شهر در درس مطالعات اجتماعی ممکن است (واحتمالاً) بانیا دانش آموز روستایی طبقه پایین تفاوت فراوان داشته باشد. در حالیکه بعضی جوانان ممکن است به درس جبر نیاز بیشتری داشته باشند، عده ای دیگر می توانند ممکن است از ریاضی کاربردی، تاریخ یا مهارتهای زبان بیشتر استفاده کنند. در بین مربیان رسم است که می گویند "هر چه کمتر بهتر دارد" یعنی ارایه محتوای کمتر برای دانش آموزان و مرور مکرر آن تاثیرات مثبت قابل توجه در توان بازخوانی و نگهداری مطالب دارد. (دمپستر ۱۹۹۳)

همه به این امر آگاه هستیم که دانش آموزان کند ذهن نیستند. آنها اعم از این که در یک جامعه شهری، روستایی یا حومه شهرهای بزرگ زندگی کنند، اطلاع کافی از نیازها و خواسته های خود برای زندگی دارند. با تنظیم اولویت در تهیه محتوا مطابق با درک دانش آموزان از واقعیتهای زندگی خود می توان انگیزه یادگیری را در آنها تقویت کرد.

#### ۴- ارتباط مطالب با آینده دانش آموزان را به آنان نشان دهید.

درست است که دانش آموزان نادان نیستند ولی همه چیز را هم نمی دانند. لذا این نه تنها یک وظیفه ی حرفه ای، بلکه وظیفه ی اخلاقی معلمین است که به دانش پژوهان اهمیت مطالب را در زندگی آینده شان گوشزد نمایند. معلم می تواند به جای سخنرانی صرف از تکنیک های دیگری که این ارتباط را بهتر نشان می دهد استفاده نماید از جمله این تکنیک ها به مواردی از قبیل صحبت های دانش آموزان بزرگتر، تجدید خاطر ها، توصیه های موفقیت آمیز بزرگسالان، ارائه اطلاعات قابل اثبات و مشاهدات دست اول آنان اشاره کرد.

#### ۵- به دانش آموزان چگونه یادگرفتن را بیاموزید.

یادگیری بسیاری از دانش آموزان اثربخش و عمیق نیست نه اینکه فاقد توانائی یادگیری هستند، بلکه آنها نسبت به روشهای صحیح یادگیری ناآگاه می باشند. (بل ۱۹۹۵ - لویس ۱۹۸۹). در چنین مواردی این مسئولیت معلمان است که به آنها مهارتهای مطالعه مؤثر مانند آمادگی قبلی، یادداشت برداری، روخوانی مطالب، دوره کردن و خلاصه کردن مطالب را آموزش بدهند. (بل ۱۹۹۵). مجهز شدن به این مهارتها به دانش آموزان انگیزه می دهد که در حل مشکلات درسی و پژوهشها باروشهای ثمربخش و عملی تلاش نمایند.

#### ۶- با یاد اولین تجربه ها برای آنان جالب باشد.

مثلی که می گوید اولین تاثیر ماندنی ترین اثر است و این به هنگام ایجاد انگیزه یادگیری دربرجه ها بسیار صادق است. می دانیم که وقتی دانش آموزان برای بار اول مطلب جدیدی را تجربه می کنند، تاثیراتی را در ذهن خویش شکل می دهند که در دراز مدت باقی خواهد ماند. (تاملینسن ۱۹۹۲) معلمان باید تلاش های ویژه ای به

عمل آورند تا از رضایتبخش بودن تأثیرات نخستین در ذهن دانش آموزان اطمینان یابند.

#### ۷- برای معرفی ناشناخته ها (شناخته شده ها استفاده کنید .

تحقیقات اهمیت استفاده از دانش و تجربه های قبلی دانش آموز را به عنوان کمک به یادگیری تأیید کرده است . (بروفی ۱۹۹۲ - برونینگ ۱۹۹۳) برننگ از این تکنیک مثال خوبی ارائه داده است : در شروع یک درس درباره حیوانات قطبی ، برای مثال یک معلم ابتدایی ممکن است به دانش آموزان آن چه راکه آنها قبلاً درباره پوست و خز حیوانات ، درباره رنگ آمیزی حیوانات ، درباره هوای سرد، برف و یخ و درباره عادات حیوانات می دانستند یادآوری کند. لازم است معلم این واقعیت را به خاطر بسپارند زندگی خارج از مدرسه دانش آموزان مملو از تجربیاتی است که بسیاری از آنان می توانند در واقع به ایجاد علاقه نسبت به مسائل مدرسه و مهارت های مرتبط منجر گردد.

#### ۸- دانش آموزان علاقمند و کنجکاو را جذب کنید.

این موضوع همانند راهبردی قبلی می باشد. لازم است به این مسئله توجه خاصی مبذول شود که استفاده از تجربیات و کنجکاوای ذاتی دانش آموزان در کمک به انگیزش هر چه بیشتر آن ها از اهمیت بالایی برخوردار است. مثلاً می توان دانش آموزان را در رفع برخی مشکلات اجتماعی درگیر کرد یا آن ها را وادار کنیم اطلاعات اضافی درباره یکی از موضوعاتی که فکر می کردند از قبل درباره آن می دانند به دست بیاورند. ب درباره نکات پیچیده یا ابهام دار در مطالب درسی که آنها مطالعه می کنند. مهم است به دانش آموزان فرصتهایی برای تعیین موضوعاتی که می خواهند بیاموزند داده شود . همه انواع بشر بطور غریزی کنجکاوند ( مازلو ۱۹۵۴) و بیان آن کنجکاوای در کلاس فرصتهای کم نظیری به معلمین زیرک برای تدریس فوق العاده و ارزشمند را می دهد.

#### ۹- برای رسیدن دانش آموزان به موفقیت برنامه ریزی کنید .

بدیهی است که تکالیف و وظایف دانش آموزان باید چالش انگیز باشد اما باید به آنها فرصت موفقیت های معقول نیز داده شود. محققین دریافته اند که دانش آموزان کوچکتر و بخصوص یادگیرندگان کندتر به میزان حدود ۹۰ درصد باید این موفقیت را داشته باشند. (بروفی - ۱۹۹۲) معلمین می توانند پیشرفت این دانش آموزان برای موفقیت به وسیله شروع آموزش در سطح آنها و حرکت آنها به جلو را با گام های قابل کنترل و آماده سازی دقیق برنامه ریزی کنند.

#### ۱۰- به دانش آموزان برای موفقیت آنان پاداش بدهید.

یکی از مستندترین اصول انگیزشی این است که موفقیت ، موفقیت می آورد . زمانی که نوجوانان برای مهارت های پیشین خود بطور رضایت بخشی تحسین شوند، برانگیخته خواهند شد که برای انجام وظایف جدید بیشتر تلاش کنند ( فرایمیر ۱۹۸۵) در واقع مریبان نیاز دارند که دو مطلب را به خاطر خود بسپارند ، اولاً با دانش آموزان باگشاده رویی برخورد و یاددادن نمره خوب از آنان قدردانی کنید. ثانیاً نیاز دانش آموزان برای پیشرفت های کوچک و بزرگ را در نظر بگیرید اشتباه است اگر معلمین بدون تشویق دانش آموزان از آنان انتظار بیش از توان خود داشته باشند.

#### ۱۱- به دانش آموزان برای تلاش هایشان پاداش بدهید.

دانش آموزان همواره برای هر کار جدید با به کارگیری روش جدید و تمرکز بر روی محتوای جدید تلاش می کنند. آنها خود را به خطر می اندازند ( فرایمیر ۱۹۸۵- لانگ ۱۹۹۱) مریبان می توانند با قدردانی مثبت از آن دسته از تلاشها که ناموفق و ناقص است این خطر را به حداقل برسانند. در طی مراحل سازنده یادگیری با تشویق دانش آموزان برای تلاش به آنها بگویید که تلاش فی نفسه ارزشمند بوده و طی پس از گذشت زمان اهمیت تلاش و تعهد در کسب موفقیت به آنها ثابت خواهد شد.

#### ۱۲- علاقه یادگیری را الگوسازی کنید .

محققین ضمن اهمیت الگوسازی به عنوان یک راهبرد موثر در مواردی مانند آموزش شخصیت ، رفتار کلاسی و انگیزش تأکید می نمایند. به قولی دوصد گفته چون نیم کردار نیست ، بخصوص وقتی که جوایزها پی می برند که معلم به ارزش یادگیری محتوای جدید ، استفاده از مهارت های آموخته شده قبلی و بحث درباره موضوع های روز ، مانند مقررات زیست بومی و خط مشی سیاسی را آگاهی دارند.

#### ۱۳- دانش آموزان را در آموزش درگیر کنید.

به عقیده من هیچ اصل آموزشی شایسته تر از توجه به مشارکت فعال دانش آموزان در تمام مراحل آموزش ، از کمک به تنظیم اهداف تا هدایت به درگیری در ارزیابی نیست. در واقع شواهد تحقیقاتی بسیاری از فایده های اقتصادی ، اجتماعی و احساسی از فعالیت دانش آموزان درگیر در آموزش خودشان وجود دارد. (فیدن ۱۹۹۴)

مریبان باید این ذهنیت را که معلم به عنوان سرچشمه دانش و دانش آموزان موجوداتی منفعل می باشند را کنار بگذارند.

#### ۱۴- از فنون متنوع تدریس استفاده کنید .

راهبردهای تدریس نباید محدود به چگونگی ارائه محتوا و سازماندهی کلاس محدود گردد.

برای رسیدن به اثر بخشی و کارآیی بهینه ، واقع بینانه ترین نگرش آموزشی می تواند یادگیری یک به یک ، تدریس خصوصی ، یادگیری مشارکتی ، آموزش گروه های بزرگ ، گروه های نامگن ، گروه های همگن ، مراکز یادگیری یا مطالعه آزاد باشد. (فیدن ۱۹۹۴) معلمانی که اطلاعات را به روشهای مختلف ارائه می کنند احتمالاً نیازهای متعدد یادگیرندگان را درمی یابند.

از این گذشته، بعضی از دانش آموزان ترجیح می دهند که برای کار روی کف زمین ، عده ای دیگر روی میز تحریرشان یا میزهای بزرگ بنشینند. بعضی یادگیرندگان از طریق دیداری یاد می گیرند، عده ای دیگر تحلیل گر یا خلاقند. در اینجا کار هوارداردگر بر روی هوشهای چند گانه (۱۹۹۱) و ریتا و کندان بر روی روشهای یادگیری (۱۹۷۸) می تواند مفید باشد.

#### **۱۵- یک دوست خوب برای دانش آموزانتان باشید .**

اکثریت جوانان می خواهند که بزرگسالان بخصوص والدین و معلمین و اولیای مدرسه از آنها راضی باشند ( مازلو ۱۹۵۴). اگر آنها دریابند که معلمان ، دوستشان هستند برای انجام آنچه دوستانشان از آنها بخواهند سخت تر تلاش خواهند کرد . برای مثال ، اگر دانش آموزان به وسیله معلمانشان تشویق به ابراز عقاید (بدون ترس از انتقاد، تمسخر یا تنبیه)، بیان آرزوها و بیان مشکلاتشان ( تحصیلی و چیزهای دیگر ) در کلاس باشند، بیشتر خواهند کوشید. اگر آنها بدانند مربیان برای آنها کیلومترها می دوند تلاش بیشتر خواهند کرد. من معتقدم که علاقه و دوستی مهم ترین عوامل و نیروهای اصلی انگیزشی در کلاس ها هستند. من در ابتدای شروع هشدار دادم که تضمینی وجود ندارد که این راهبردها انگیزه یادگیری دانش آموزان را زیاد کند گرچه ممکن است سودمند باشند . بیشتر معلمان هم علاقه وهم ابرار برای برانگیختن دانش آموزان در اختیار دارند من امیدوارم که این مقاله به آنها در هدایت تلاشهایشان کمک کند.